

تلاشهای بین‌المللی و قانونگذار کیفری ایران برای تحدید موارد و اعمال مجازات سالب آزادی

نریمان تیرگر فاخری ■

دانشجوی دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس □ □

علی‌حسین نجفی ابرنآبادی ■

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی □ □

تاریخ دریافت: ۷۷/۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۷۷/۱۰/۱۵

چکیده

تحدید مجازات سالب آزادی از موضوعهای مهم مورد بحث در سیاست جنایی بیشتر نظامهای کیفری است^۱. در این مقاله به بررسی مساعی جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران در این زمینه پرداخته شد. عدم توفیق مجازات سالب آزادی در بازپروری اجتماعی بزهکاران و اهداف کاهش ازدحام زندانیان و پیشگیری از تکرار جرم و تقلیل هزینه‌های اجرای مجازات سالب آزادی، انگیزه اصلی اتخاذ چنین سیاستی تلقی می‌شود. در این مقاله سعی در تبیین این اهداف با استناد به تحقیقات و آمارهای ارائه شده در برخی کشورها صورت گرفته است.

تلاشهای مربوط به تحدید مجازات سالب آزادی در سطح جهانی نیز با ارائه قواعد راهبردی، قانونگذار یهای ملی را تحت تأثیر قرار داده است. بر این اساس اقدامهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای تحدید مجازات سالب آزادی مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت تحولات قانونگذاری کیفری ایران در امر تحدید مجازات سالب آزادی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی به صورت سیاست تحدید مجازات سالب آزادی در مرحله اجرا و در مرحله دادرسی در قالب آزادی مشروط و تعلیق و تبدیل مجازات سالب آزادی مورد بررسی قرار گرفت.



با ملاحظه و آگاهی از تلاشهای جهانی برای تحدید مجازات سالب آزادی و ملاحظه سیاست جنایی تقنینی ایران در این باره لزوم تدوین راهکاری مشخص با رعایت اصول پذیرفته شده حاکم بر مجازاتها و ملاحظه ابزارها و راهکارهای ارائه شده در قواعد بین‌المللی در این زمینه برای استفاده بجا و مناسبتر از سیاست تعدیل، تبدیل و تعلیق مجازات سالب آزادی را ایجاب می‌کند.

کلید واژگان: جایگزینهای حبس (زندان)؛ سیاست جنایی؛ پیشگیری از جرم؛ تکرار جرم؛ تبدیل مجازات؛ اصلاح بزهکاران؛ اقدامهای غیرسالب آزادی

۱- مقدمه

۱-۱- بیان موضوع

امروزه با مشخص شدن معایب مجازات سالب آزادی و عدم موفقیت نظام زندانها در بازپروری اجتماعی بزهکاران^۱، نظامهای کیفری تحت تأثیر آموزه‌های کیفرشناسی و یافته‌های جرم‌شناسی مانند افزایش تکرار جرم و جرم‌زایی زندان، بیش از پیش به محدود کردن موارد و دامنه اعمال مجازات سالب آزادی گرایش پیدا کرده‌اند.

مجازات سالب آزادی کوتاه‌مدت به لحاظ جرم‌زا بودن و ایجاد آثار سوء بر شخصیت و خانواده زندانی و تحمیل هزینه بر جامعه و مشکل معیشت برای خانواده زندانی، فاقد کارایی و بحران‌آفرین بوده و باید به عنوان «آخرین حربه و آنگاه که تدابیر دیگری قابل اعمال نباشد»^۲ مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه ضمن تلاش در تقلیل صدور احکام محکومیت به زندانهای کوتاه‌مدت، گامهای مهمی برای محدود کردن موارد قانونی یا اجرا یا احتراز از اجرای مجازات سالب آزادی و توسعه سیاست جایگزینی در سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی برداشته شد. این خود در ضمن بیانگر اهمیت سیاست تحدید مجازات سالب آزادی است. نظامهای کیفری اهدافی را در اتخاذ سیاست تحدید مجازات سالب آزادی دنبال می‌کنند که در یک نگاه اجمالی در چند هدف مشخص، اشتراک نظر دیده می‌شود. ضمن اینکه ممکن است بر اساس مصالح ملی و ارزشهای اعتقادی یا اجتماعی اهداف خاص خود را نیز دنبال کنند.

۱-۲- اهداف تحدید موارد یا اجرای مجازات سالب آزادی

کاهش جمعیت کیفری و تقلیل هزینه‌های ناشی از اعمال مجازات سالب آزادی و کاهش تکرار جرم، اهداف مهمی هستند که نظامهای کیفری با تحدید مجازات سالب آزادی در پی تحقق آن هستند.

۱-۲-۱- کاهش جمعیت کیفری

یکی از معضلات نظامهای کیفری، افزایش مستمر جمعیت زندانهاست. در ایتالیا جمعیت زندانها از ۲۶۴۲۲ نفر در سال ۱۹۸۷ به ۵۰۱۹۷ نفر در سال ۱۹۹۳ رسید.^۴ در انگلستان و ولز از ۲۳۹۳۶ زندانی در سال ۱۹۸۰ به ۵۰۰۷۳ نفر در سال ۱۹۸۷ رسید.^۵

از دحام جمعیت در زندانها نه تنها اداره سازمان زندانها را با مشکل مواجه می‌کند، بلکه کنترل و نظارت و تأمین نظم و امنیت در زندان را دشوار می‌سازد. بنابراین کاهش جمعیت زندانها همواره مد نظر نظامهای کیفری بوده است. انتظار می‌رود سیاست تحدید مجازات سالب آزادی و توسعه جایگزینهای آن به کاهش جمعیت زندانها منجر شود. به همین دلیل قطعنامه شماره ۱۶ هفتمین کنفرانس پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان سازمان ملل متحد به کاهش جمعیت زندان و بازسازی اجتماعی مجرمان اختصاص یافت. این قطعنامه به دولتهای عضو پیشنهاد می‌کند. «... باید تحقیق در مورد ضمانت اجرای غیر سالب آزادی معتبر را که به نیل کاهش جمعیت زندان کمک کند افزایش دهند».^۶

۱-۲-۲- تقلیل هزینه‌های ناشی از اعمال مجازات سالب آزادی

با عنایت به باری که زندانها از نظر اقتصادی بر عهده جامعه و خانواده زندانیان می‌گذارند، اجتناب از هزینه‌های ناشی از اعمال مجازات سالب آزادی، حتی استفاده اقتصادی از محکومان مانند کار عام‌المنفعه در بسیاری از موارد اجتناب از مجازات سالب آزادی را توجیه می‌کند.

«عموماً گفته می‌شود که ضمانت اجرای غیر سالب آزادی نسبت به اعمال مجازات سالب آزادی ارزانتر است ... اگر ضمانت اجرای غیر سالب آزادی در حد عمده‌تری مورد استفاده قرار گیرد دولت قادر خواهد بود که اعمال ضمانت اجرا را به طور ارزانتر اداره کند».^۷ زیرا ضمانت اجرای غیر سالب آزادی در خارج از نهادهای زندان و در جامعه اعمال می‌شوند. در نتیجه هزینه‌های مربوط به تشکیلات و حفاظت از زندانها و هزینه نگهداری و مایحتاج زندانیان از عهده دولت خارج می‌شود و به جای آن اقدامهایی مانند جزای نقدی یا خدمات اجتماعی می‌تواند قرار گیرد که خود منشأ درآمد محسوب می‌شود.

۱-۲-۳- کاهش تکرار جرم

به همان نسبت که مجازات سالب آزادی با افزایش تکرار جرم همراه است، کاهش توسل به آن موجب^۸ کاهش تکرار جرم می‌شود. چنانکه یک بررسی در هلند نشان داده است ۴۲ درصد محکومان به خدمات

4. [10], p. 47.

6. [8], p. 124.

7. Ibid, p. 13.

۵. ر.ک. [۵] ص ۱۴۰۱.

۸ در آلمان تعداد کسانی که در سال ۱۹۸۴ مجدداً به زندان محکوم شدند ۱۳۸۵۵ نفر بودند که در سال ۱۹۹۳ این تعداد به ۱۹۲۱۸ نفر رسید. [9], p. 135.



اجتماعی و ۵۲ درصد محکومان به زندان در یک دوره سه‌ساله مرتکب جرم شدند.^{۱۰} همچنین اجرای تدابیر جایگزین مجازات سالب آزادی در محیط آزاد و در بطن اجتماع و با نظارت و کنترل دائمی مجرمان، امکان سازگاری بهتر با جامعه را فراهم کرده از سقوط مجدد آنها جلوگیری می‌کند. لذا قاعده ۱۰-۱ از مجموعه قواعد حداقل ملل متحد برای تدابیر غیرسالب آزادی مقرر می‌دارد: «برای کاهش تکرار جرم و بازسازی اجتماعی مجرم که تمایل به بازگشت به جرم را تقلیل دهد، نظارت (در اجرای تدابیر غیرسالب آزادی) صورت می‌گیرد».^{۱۱}

با عنایت به این اهداف، اقدامهای مهمی در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی برای کاهش توسل به زندان و توسعه جایگزینهای مجازات سالب آزادی صورت گرفت که ابتدا به بیان مساعی جهانی در این زمینه پرداخته و سپس سیاست جنایی تقنینی ایران را در این باره بررسی می‌کنیم.

۲- گفتار اول - مساعی جهانی برای تحدید مجازات سالب آزادی و توسعه جایگزینها برای آن

عمده‌ترین تلاشها در این زمینه توسط سازمان ملل متحد^{۱۲} در سطح منطقه‌ای اروپا صورت گرفته است که با تصویب قطعنامه و توصیه‌نامه‌هایی قانونگذاران کشورهای عضو را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

۲-۱- اقدامهای سازمان ملل متحد

مساعی بین‌المللی برای توسعه سیاست جایگزینی مجازات سالب آزادی بیشتر از طریق سازمانها و انجمنهای بین‌المللی و بویژه سازمان ملل متحد^{۱۱} با برگزاری کنفرانسهای متعددی صورت گرفته که ضمن بیان زیانهای مجازات سالب آزادی، با ارائه پیشنهادهایی برای کاهش اقدامهای منجر به سلب آزادی و کاهش آثار سوء زندان به معرفی جایگزینهای مجازات سالب آزادی منجر شد.

اندکی پس از تشکیل سازمان ملل متحد، در نخستین کنفرانس پنج‌سالانه سازمان ملل متحد، مجموعه قواعد حداقل ملل متحد درباره طرز رفتار (اصلاحی) با زندانیان در سال ۱۹۵۵ در ژنو به اتفاق آرا به تصویب رسید و متعاقباً در ۳۱ ژوئیه ۱۹۵۷ مورد تصویب شورای اقتصادی، اجتماعی نیز قرار گرفت.^{۱۲}

جانشینهای حبس در سطح سازمان ملل متحد نیز ابتدا در قطعنامه شماره ۸ کنفرانس ششم (۱۹۸۰) مورد توجه قرار گرفت، سپس در قطعنامه شماره ۱۶ کنفرانس هفتم (۱۹۸۵) تقلیل تعداد زندانیان، راه‌های جایگزین و بازسازی اجتماعی بزهکاران مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفت. در اجلاس

9. [8], p. 139.

۱۰. درباره چگونگی تصویب این قواعد ر.ک. به گفتار اول همین مقاله.

۱۱. موضوع تدابیر جایگزین برای کیفر سالب آزادی و اجتناب از توسل به زندان حتی در قدیمی‌ترین کنفرانس بین‌المللی موسوم به کنفرانس بین‌المللی پیشگیری و سرکوبی که در سال ۱۸۷۲ م. در لندن تشکیل شد و تا قبل از ادغام کمیسیون قدیمی کیفری و امور زندانها در سازمان ملل متحد در آخرین کنفرانس‌های که در سال ۱۹۵۰ برگزار شد مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. [۷]، ص ۲۹۳.

۱۲. درباره متن این قواعد ر.ک. [۱۱].

تدارکاتی بین منطقه‌ای کنگره هشتم که در توکیو برگزار شد متن قواعد حداقل ملل متحد درباره تهبه و تنظیم اقدامهای غیرسالب آزادی مورد بررسی و تصویب قرار گرفت و به همین لحاظ به قواعد توکیو شهرت یافت. این قواعد^{۱۲} پس از تصویب در کنگره هشتم در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۰ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز رسیده و اجرای آن به دولتهای عضو توصیه شد. قواعد بیجینگ درباره چگونگی اعمال عدالت کیفری صفار که در کنگره هفتم (۱۹۸۵) پذیرفته شد و قواعد ملل متحد راجع به حمایت از صفار محروم شده از آزادی که در کنگره هشتم تصویب شد و مورد تصویب مجمع عمومی نیز قرار گرفتند، در مورد صفار تأکید به توسل حداقل به محیط بسته (زندانی) داشته و سلب آزادی از صفار متهم یا بزهکار را به عنوان آخرین راه حل توصیه می‌کنند. در کنگره نهم (۱۹۹۵) نیز در قطعنامه «صفار به عنوان مباشران و قربانیان جرایم و...» بر پیشبرد اقدامهای جایگزین کیفر سالب آزادی ... تأکید شده است.^{۱۳}

۲-۲- اقدامهای شورای اروپا

شورای اروپا مهمترین تشکیلات منطقه‌ای است که اقدامهای آن می‌تواند مبنایی برای اقدامهای سازمان ملل متحد در زمینه مسائل جنایی باشد و پیشنهادهای آن می‌تواند تصمیمهای سازمان ملل متحد را تحت تأثیر قرار دهد.

به موازات مساعی جهانی برای توسعه سیاست جایگزینی در قلمرو مجازات سالب آزادی، تلاشهایی نیز در سطح منطقه‌ای و عمدتاً در سطح اروپا و توسط شورای اروپا در قالب «کمیته اروپایی ویژه مسائل جنایی» در این زمینه صورت گرفت.^{۱۵}

پس از تشکیل کمیته اروپایی ویژه مسائل جنایی در سال ۱۹۵۶ کمیته فرعی موقت (که در سال ۱۹۶۱ بر اساس پیشنهاد شماره ۱۹۵ مجمع مشورتی شورای اروپا ایجاد شد) نیز مأمور بررسی جایگزینهای زندان شد.

در اولین قطعنامه شماره ۱-۵۶، دولتهای عضو به تضمین این امر فراخوانده شدند: «قانونگذاران کشورهای عضو باید به قضات یا مراجع ذی‌ربط، اختیار جایگزینی در مورد مجازات متضمن محرومیت از آزادی با اختیار جایگزینی تدابیر مشروط (مجازات معلق، حکم پروبیشن یا تدابیر مشابه) قبل از اجرای چنین مجازاتی را در مواردی که فردی نخستین بار مرتکب جرم شده یا کسی که مرتکب جرم شدید خاصی نشده است را اعطا کنند».

اولین اقدام برای طرح قواعد حداقل برای اعمال تدابیر غیرسالب آزادی قطعنامه شماره ۱-۷۰ کمیته وزرای خارجه شورای اروپا در مورد «سازمان اجرایی تدابیر نظارت و مراقبت بعد از خروج، مجازات مشروط و مجرمان به صورت مشروط آزاد» و گزارش مربوط به آن است که به دولتهای عضو توصیه



کرد: «امکان به تعویق انداختن یا کاهش محدودیتها برای اجرای تدابیر مشروط (مربوط به گروه مجرمان یا جرایم) که مانع فردی کردن مجازات است را بررسی کند»^{۱۶}.

در سال ۱۹۸۵ دومین کنفرانس مدیران سازمان زندانها «جایگزین زندان را در کشورهای عضو شورای اروپا مورد بررسی قرار دادند و در طی آن وضعیت جایگزینهای جدید و جایگزینهای سنتی در این کشورها و تأثیر آنها در پیشگیری از تکرار جرم مورد بحث قرار گرفت».

در ژوئن ۱۹۸۶ نیز کمیته اروپایی ویژه مسائل جنایی تصمیم به تنظیم قواعد حداقل رفتار (اصلاحی) غیرسالب آزادی را اتخاذ کرد و بالاخره در ۱۹ اکتبر ۱۹۹۲ «قواعد اروپایی درباره ضمانت اجرا و اقدامهای اجتماعی» تدوین و دول عضو به اتخاذ و اجرای سیاست جایگزینی در قبال کیفر سالب آزادی ترغیب شده‌اند^{۱۷}.

ناگفته پیداست که مهمترین مرحله توسعه سیاست جایگزینی مجازات سالب آزادی تجلی آن در سیاست جنایی تقنینی کشورهاست. تلاشهای بین‌المللی و منطقه‌ای که به صورت قطعنامه‌ها و توصیه‌نامه‌ها به کشورهای عضو ارائه می‌شود زمانی مثمر واقع می‌شود که قانونگذارهای ملی با پیروی از آن در نظام کیفری متبوع خود ایجاد تحول کرده و با رعایت قطعنامه‌ها و توصیه‌نامه‌ها در قانونگذاری کیفری در جهت توسعه تدابیر جایگزین مجازات سالب آزادی گام بردارند. در همین رابطه قانونگذاری کیفری ۱۹۹۲ فرانسه^{۱۸} و قانون ۱۹۹۱ راجع به عدالت کیفری انگلستان^{۱۹} را می‌توان نمونه‌هایی قابل توجه دانست که در جهت توسعه سیاست جایگزینی مجازات سالب آزادی گامهای جدیدی برداشته‌اند^{۲۰}.

قانونگذاری کیفری ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد تحولاتی را همگام با تلاشهای بین‌المللی در زمینه تحدید مجازات سالب آزادی در زمینه تقنینی و اجرایی، شاهد بوده است که پرداختن به آن، موضوع عمده این مقاله است.

۳- گفتار دوم - تحدید موارد و اعمال مجازات سالب آزادی در سیاست جنایی تقنینی ایران

نظام کیفری ایران نیز در مسیر تحولاتش از تأثیر تلاشها و اقدامهای مربوط به تحدید مجازات سالب آزادی به دور نبوده است. در دوره‌های مختلف تقنینی ضمن حفظ مجازات سالب آزادی برای موارد

16. Ibid, p. 120.

۱۷. در این باره ر.ک: Robert (Jean - Pierre)' "An innovative instrument: the European Rules on Community Sanctions and measures" In Penological Information Bulletin, Council of Europe, no 19 and 20 1994 1995, - pp. 5 - 7.

۱۸. در این باره ر.ک: رضا، فرج‌اللهی؛ بررسی تحولات حقوق جزای فرانسه در قانون اخیر مجله قضائی و حقوقی دادگستری ش ۱۷ و ۱۸، سال ۱۳۷۵ و مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۹ و ۲۰. ۱۹. در این باره ر.ک: [۵]، صص ۳۸۱ - ۳۹۰.

۲۰. برای مثال در فرانسه تا ۱۹۸۷ کار به نفع عموم برای بیشتر جرایم رانندگی جایگزین حبس تا ۶ ماه می‌شد اما در ماده ۸ - ۱۳۱ قانون ژوئیه ۱۹۹۲ می‌تواند جایگزین حبس جنه‌ای شود و در انگلستان قرار مراقبت الکترونیکی به موجب قانون ۱۹۹۱ به عنوان یکی از تدابیر غیرسالب آزادی معرفی شده است.

لزوم، به منظور اجتناب از معایب و آثار ناگوار زندان تدابیری پیش‌بینی شده است. هرچند آموزه‌های کیفرشناسی و جرم‌شناسی و اقدامهای بین‌المللی در این مورد بی‌تأثیر نبوده است. چنانکه آزادی مشروط و تعلیق اجرایی مجازات را می‌توان نمونه این تأثیرها تلقی کرد، اما ملاحظات اجتماعی و اعتقادی و در پاره‌ای موارد انگیزه‌های اقتصادی نیز نقش مؤثری را ایفا کرده‌اند. نظر به اینکه سیاست تحدید مجازات سالب آزادی هم قبل از انقلاب اسلامی مورد توجه بوده است و هم پس از انقلاب اسلامی با درنگی کوتاه ادامه پیدا کرد، در این گفتار این تحولات را جداگانه بررسی می‌کنیم.

۱-۳- تحدید مجازات سالب آزادی قبل از انقلاب اسلامی

۱-۱-۳- تحدید مجازات سالب آزادی در مرحله اجرا

تا قبل از انقلاب اسلامی اقدامهایی برای محدود کردن قلمرو مجازات سالب آزادی در مرحله اجرا، مانند امکان کار کردن زندانی در خارج از محیط زندان به موجب ماده ۵۳ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ یا ماده ۱۱۹ آیین‌نامه زندانها مصوب ۱۳۲۷ پیش‌بینی شده بود. به علاوه هرچند در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ راجع به آزادی مشروط زندانیان مقرراتی پیش‌بینی نشده بود، اما این نهاد را قانونگذار طی ماده واحده‌ای در سال ۱۳۲۷ وارد نظام کیفری ایران کرد.

به موجب این قانون در جرایم جنایی و جنحه‌ای، کسی که برای بار اول به حبس محکوم می‌شد و در جنحه پس از تحمل نصف مدت مجازات (که کمتر از سه ماه نباشد) و در جنایت پس از تحمل دو ثلث و در حبس دائم پس از گذراندن ۱۲ سال امکان استفاده از آزادی مشروط را داشت. مدت آن نیز براساس تبصره ۲ ماده واحده مذکور، کمتر از یک سال و بیشتر از ۵ سال نبوده است مگر این که بقیه مدت کمتر از یک سال بود. این قانون هرچند مجرماتی را که بار اول محکوم می‌شدند از جنبه ارفاقی مشمول قانون آزادی مشروط کرده بود، اما از نظر درجه مجازات، فرقی بین محکومان جرایم مختلف جنایی و جنحه‌ای قائل نشده بود و لذا میزان حبس در اعمال آن بی‌تأثیر بوده است و به عکس تعلیق مجازات که در مجازاتهای سنگینتر جنایی صورت نمی‌گیرد هر نوع مجازات حبس ممکن است به وسیله آزادی مشروط متوقف شود.^{۲۱}

۱-۱-۲- تعلیق اجرای مجازات سالب آزادی

تعلیق اجرای مجازات سالب آزادی به شکل ساده نخستین بار در مواد ۴۷، ۴۸، ۴۹ و ۵۰ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ پیش‌بینی شد، اما به لحاظ عدم توجه به آثار آن و به لحاظ شمول آن به کلیه جرایم جنحه‌ای دادگاهها اختیارات به نسبت زیادی در استفاده از آن داشتند. به علاوه فاقد هرگونه دستورات مراقبتی و اصلاحی برای دوره تعلیق بود.



در سال ۱۳۰۷ مواردی که در آن امکان تعلیق میسر بود احصا شد و در نهایت مقررات کاملتر در سال ۱۳۲۶ به موجب قانون تعلیق اجرای مجازات پیش‌بینی گردید. در این قانون حدود و شرایط و اقدامها و دستوراتی که در زمان تعلیق باید رعایت شود و آثار آنها به‌طور دقیق مورد توجه قرار گرفت.

۳-۱-۳- تبدیل مجازات سالب آزادی

اندیشه تبدیل حبس به غرامت هرچند در ماده ۲۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ پایه‌ریزی شد، اما بدون ملاحظه سایر جوانب فقط در مورد حبس تأدیبی در نظر گرفته شد زیرا مدت حبس تأدیبی نامشخص بود و از حداقل ۱۱ روز تا سه سال را شامل می‌شد^{۲۲} و به این ترتیب اختیارات دادگاهها در این زمینه به نحوی گسترده افزایش می‌یافت. ضمن اینکه معیار مشخصی در تعیین میزان غرامت نیز پیش‌بینی نشده بود. هرچند بعدها با تصویب ماده واحده سال ۱۳۰۷ حبسهای خلافی و کمتر از ۲ ماه قابل تبدیل به جزای نقدی شده و میزان آن نیز به اختلاف موارد تعیین و به این ترتیب اختیارات دادگاهها محدود و معین شد.

با اصلاح قسمتی از مواد آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ در ماده ۴ تبدیل حبس به جزای نقدی در امور خلافی و حبسهای کمتر از دو ماه اختیاری و میزان آن نیز به اختلاف موارد از قرار روزی ده تا پانصد ریال تعیین شد.

بالاخره قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ نیز در ماده ۱۱ حبسهای کمتر از ۶۱ روز را قابل تبدیل به جزای نقدی از ۵۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰ ریال اعلام کرد که دادگاهها پس از تعیین مجازات حبس متناسب با آن جزای نقدی را تعیین می‌کردند. این قانون هرچند میزان جزای نقدی را تعیین و مقدار آن را افزایش داد اما مجدداً اختیار قضات را به تناسب مجازات حبس در تعیین مقدار آن ملاک قرار داد و از تعیین مقدار آن بر حسب روز عدول کرد.

به علاوه در مواردی که حداکثر حبس بیش از ۶۱ روز و حداقل کمتر از آن بود دادگاه در تعیین حبس بیش از دو ماه یا جزای نقدی از ۵۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰ ریال مختار بود. این در حالی بود که حبسهای بیش از ۶۱ روز در صورتی که حداقل آنها کمتر از ۶۱ روز نبود، قابل تبدیل به جزای نقدی نبودند. به همین دلیل برخی مؤلفان آن را فاقد توجیه منطقی دانسته‌اند^{۲۳}.

نتیجه اینکه تا قبل از انقلاب اسلامی، سیاست جایگزینی مجازات سالب آزادی در قالب تعلیق اجرای مجازات سالب آزادی همراه با دستورات اصلاحی و مراقبتی و تبدیل به جزای نقدی قرار داشت.

۳-۲- تحدید مجازات سالب آزادی پس از انقلاب اسلامی

با دگرگونی وسیعی که پس از انقلاب اسلامی در مقررات کیفری ایجاد شد، مجازات سالب آزادی در

طبقه‌بندی جدید از مجازات‌ها، صرف‌نظر از موارد استثنایی^{۲۳}، اصولاً به عنوان مجازات تعزیری و در اختیار قاضی قرار گرفت. مع‌الوصف قانونگذار، با عنایت به اصول قانون اساسی، قلمروی مجازات‌ها و موارد عفو و تخفیف با تعلیق و سپس امکان تبدیل آنها را پیش‌بینی کرد.

۳-۲-۱- تحدید مجازات سالب آزادی در مرحله اجرا

در قلمروی مجازات سالب آزادی در مرحله اجرا ابتدا به موجب ماده ۳۷ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ امکان اشتغال به کار زندانیان، تحت شرایطی فراهم شد.

با تصویب آیین‌نامه امور زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی، امکان اعمال مجازات در زندانهای باز^{۲۵} و اشتغال در خارج از زندان نیز^{۲۶} پیش‌بینی شد.

قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱، آزادی مشروط زندانیان را به موجب ماده ۳۹ برای محکومان بار اول به حبس تعزیری پس از گذراندن نصف مدت حبس تحت شرایطی پیش‌بینی کرد. اگرچه در تنظیم مقررات راجع به آزادی مشروط، قانونگذار سال ۱۳۶۱ از قانون آزادی مشروط سال ۱۳۳۷ تأثیر پذیرفته است، اما با محدود کردن آن به حبس تعزیری، از دامنهٔ شمول مقررات آزادی مشروط کاسته است در حالی که قانون آزادی مشروط سال ۱۳۳۷ شامل حبسهای جنایی و حتی حبس مؤبد نیز می‌شود. بنابراین مقررات آزادی مشروط در قانون مجازات اسلامی ۱۳۶۱ به سوی تشدید، گام برداشته است.

با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ تغییراتی در نوع و مدت تحمل حبس و ترتیباتی که در مدت آزادی مشروط باید رعایت شود ایجاد شد. بدین ترتیب که آزادی مشروط در حبسهای تعزیری و غیر تعزیری قابل اعمال است و مدت لازم برای اعطای آن (به سیاق قانون آزادی مشروط سال ۱۳۳۷) تحمل نصف مدت در حبسهای کمتر از سه سال و تحمل دوسوم آن در حبسهای بیشتر از سه سال است. هرچند هم‌اکنون قلمروی مقررات آزادی مشروط به همهٔ انواع حبس گسترش دارد، اما در حبسهای بیشتر از سه سال نسبت به قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ دامنهٔ آن محدودتر شد. به علاوه قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ دادگاه را مقید می‌کند به یقین شرایط و ترتیباتی که در مدت آزادی مشروط^{۲۷} محکوم علیه باید رعایت کند و از باب تمثیل، مواردی را نیز در تبصرهٔ ۳ ماده ۳۸ بیان داشته است در حالی که چنین امری در قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ پیش‌بینی نشده بود. بیان این شرایط که بیشتر جنبهٔ تأمینی دارد، می‌تواند مکمل هدف اصلاحی و تقویت انگیزه مجرم در بازگشت مجدد به جامعه شود؛ زیرا هشدار لازم را نیز به مجرم در اجرای بقیه محکومیت در صورت تخلف از شرایط تعیین شده یا ارتکاب مجدد جرم داده شده است.

بالاخره قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ تعیین مدت آزادی مشروط را بیشتر از ۵ سال و کمتر از یک

۲۴. مانند ماده ۲۰۱ و ۲۱۰ ق.م. سال ۱۳۷۰.

۲۵. ماده ۲۷ آیین‌نامه امور زندانها و ... مصوب ۱۳۶۱ و ماده ۷ آیین‌نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندانها و ... سال ۱۳۷۲.

۲۶. ماده ۳۴ آیین‌نامه امور زندانها و ... مصوب ۱۳۶۱ و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندانها و ... سال ۱۳۷۲.



سال اجازه نمی‌دهد، حتی اگر باقیمانده حبس کمتر از یکسال باشد؛ بنابراین در محکومان به شش‌ماه حبس که با تحمل نصف مدت آن به صورت مشروط آزاد می‌شود به جای سه‌ماه حداقل یکسال تحت شرایط آزادی مشروط قرار می‌گیرند و در صورت تخلف برای تحمل بقیه مدت به زندان مراجعت داده می‌شوند. با وصف مراتب هرچند با شمول مقررات آزادی مشروط به تمام انواع حبسها در جهت نفع متهم گام برداشته شد، اما تعیین شرایط جدید برای دوره آزادی مشروط و شمول مدت حداقل یکسال حتی برای باقیمانده مدت کمتر از یکسال، از نرمش زیاد در مقابل مجرمان اجتناب شده است.

۲-۲-۳- تعلیق اجرای مجازات سالب آزادی

در باره تعلیق اجرای مجازات حبس نیز قانونگذار مجازات اسلامی ۱۳۶۱ عمدتاً از مقررات قانون تعلیق اجرای مجازات مصوب ۱۳۴۶ تبعیت کرده است با این تفاوت که این نهاد حقوقی، دیگر به مجازات حبس اختصاص داده نشد، بلکه کلیه محکومیت‌های تعزیری را شامل می‌شد.^{۲۷}

با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و با عنایت به ظهور مجازات بازدارنده^{۲۸} در نظام کیفری کشور، مجازات حبس نیز در مواردی به عنوان مجازات بازدارنده^{۲۹} قابل استفاده شد و در ماده ۲۵ این قانون کلیه محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده، قابل تعلیق شناخته شد. اجتناب از زندان، انگیزه اصلی سیاست جایگزینی از طریق تعلیق اجرای حبس است اما قانونگذار مجازات اسلامی دامنه این سیاست را به مجازات‌های دیگر نیز گسترش داده است که استفاده نامناسب آن همواره منشأ انتقاد به نهاد حقوقی تعلیق مبنی بر انعطاف بیش از حد در مقابل مجرمان بوده است.

نکته قابل توجه در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ تعلیق اجرای قسمتی از مجازات پس از اجرای قسمتی از آن است. این امر با فلسفه تعلیق اجرای مجازات که هشدار به محکومان بی‌سابقه و اجتناب از آثار سوء اجرای مجازات حبس است مغایرت دارد و این در حالی است که درباره مجازات حبس، استفاده از نهاد آزادی مشروط می‌تواند وافی به مقصود باشد.^{۳۰}

۲-۳-۳- تبدیل مجازات سالب آزادی

از ابتکارهای دیگر قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ امکان تبدیل مجازات تعزیری و بازدارنده به نوع دیگر مجازات است.^{۳۱} بدین ترتیب دادرسان در مقام جایگزینی مجازات حبس با انواع گوناگونی از

۲۷. ماده ۴۰، قانون راجع ۱۰۲ مصوب، سال ۱۳۶۱.

۲۸. قبلاً نیز ماده ۱ قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ مصوب ۱۳۶۸/۴/۲۰ مجازات‌های بازدارنده را پیش‌بینی کرده بود.

۲۹. ماده ۱۷ ق.م.ا. مصوب سال ۱۳۷۰.

۳۰. چنانچه کمیسیون استفتائات شورای عالی قضایی سابق نیز در پاسخ این سؤال که «قرار تعلیق اجرای مجازات تعزیری باید ضمن حکم محکومیت صادر شود یا مدتی پس از صدور حکم هم می‌توان اجرای بقیه مجازات را به موجب تصمیم جدید معلق کرد. در بهمن‌ماه سال ۱۳۶۲ چنین پاسخ داده است. برابر تبصره ۲ ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی صدور قرار تعلیق اجرای مجازات تعزیری ضمن حکم محکومیت امکانپذیر است، بعد از صدور حکم باید از آزادی مشروط موضوع ماده ۳۹ قانون مذکور به شرط حصول شرایط مندرج در ماده فوق استفاده شود». ([۳] ص ۴۱).

۳۱. ماده ۲۲ ق.م.ا. مصوب، سال ۱۳۷۰.

مجازاتهای تعزیری و بازدارنده مانند جزای نقدی، شلاق، ممنوعیت‌های شغلی، محرومیت‌های اجتماعی و ایجاد محدودیت‌های مختلف مواجه هستند. برخلاف قانونگذار راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ که با لغو مقررات تبدیل حبس جز تعلیق جایگزین دیگری برای حبس باقی گذاشته بود، قانونگذار مجازات اسلامی ۱۳۷۰ دست قضات را به‌طور بی‌سابقه‌ای برای تبدیل حبس باز گذاشته است. قبل از آن نیز بند اول تبصره ۱۷ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸ تبدیل حبس به جزای نقدی را احیا کرده بود. در این قانون به جای مجازاتهای تعزیری موضوع تخلفات رانندگی و حبسهای کمتر از ۹۱ روز تبدیل به جزای نقدی (از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال) اعلام شد. از آنجا که این تدبیر از بعد اقتصادی هم از جهت کاهش جمعیت زندانی و در نتیجه کاهش هزینه زندانها و هم از جهت کسب درآمد از طریق جزای نقدی آثار مثبتی دارد، به همین جهت قانونگذار را بر آن داشت تا در قانون وصول برخی درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ مجدداً مقررات بند ۱ تبصره ۱۷ قانون برنامه اول توسعه ... را تصویب و بر آن صحه گذارد. بدین ترتیب دیگر تنها مبارزه با آثار سوء زندانهای کوتاه‌مدت، انگیزه اصلی توسعه سیاست جایگزینی محسوب نمی‌شود زیرا صرف‌نظر از اختیار دادگاهها در تبدیل حبسهای بیش از ۹۱ روز به جزای نقدی که حداقل آن کمتر از ۹۱ روز و حداکثر آن ۹۱ روز است^{۳۲}، با اختیاراتی که ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و همچنین ماده ۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ برای دادگاهها پیش‌بینی کرده است، ملاحظات گوناگونی را می‌توان برای آن در نظر گرفت، اگرچه گفته می‌شود که «تبعیت قانونگذار در وضع این مقررات بیشتر از این نظر بوده است که در قلمروی تعزیرات قاضی در تعیین نوع و میزان مجازات به آنچه قانون است محصور نیست و می‌تواند حسب مورد تعزیرات مناسب دیگری تعیین کند»^{۳۳}.

مع‌الوصف لزوم رعایت اصول حقوقی در سیاست تقنینی و قضایی و اجرایی را بیش از پیش ایجاب می‌کند. در سیاست جایگزینی، رعایت تناسب مجازات با شرایط و اوضاع و احوال محکوم علیه نقش مؤثری در تضمین حقوق اساسی افراد دارد و با تعیین معیارهایی که هم متضمن اهداف جامعه در پیشگیری از تکرار جرم و اصلاح مجرمان و تأمین دفاع اجتماعی باشد و هم تضمین‌کننده حقوق اساسی افراد باشد، سیاست جایگزینی را در مجرای صحیحی می‌توان هدایت کرد.

۴- نتیجه

عدم توفیق مجازات سالب آزادی در برآوردن اهداف نظام کیفری مانند اصلاح و پیشگیری از تکرار جرم و لزوم مهار بحران ناشی از آن، نظامهای کیفری را به تحدید قلمروی این مجازات سوق داده است. کاهش تورم جمعیت کیفری زندانیان و پیشگیری از تکرار جرم و تقلیل هزینه‌های اجرای مجازات

۳۲. قسمت دوم بند ۱ تبصره ۱۷ قانون برنامه اول توسعه ... مصوب سال ۱۳۶۸.

۳۳. ر.ک. [۲] ص ۳۰۵.



سالب آزادی، عمده‌ترین اهداف سیاست تحدید مجازات سالب آزادی محسوب می‌شود. ضرورت این امر نه تنها در سطح ملی بلکه اقدامهای جهانی را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز موجب شده است. در این راستا قواعدی راهبردی برای کشورهای عضو به صورت قطعنامه تصویب شد که مهمترین آن «قواعد حداقل ملل متحد راجع به تدابیر غیرسالب آزادی» است.

تلاشهای جهانی در این رابطه، نقش مؤثری در قانونگذاریهای ملی برای تحدید مجازات سالب آزادی داشته است. این تأثیر در قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ انگلستان و قانون کیفری ۱۹۹۲ فرانسه بوضوح مشاهده می‌شود.

سیاست جنایی تقنینی ایران هم قبل و هم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در جهت محدود ساختن مجازات سالب آزادی، گامهایی را چه در مرحله اجرا (با آزادی مشروط زندانیان و کار زندانیان در خارج از زندان) و چه در مرحله دادرسی (با تعلیق و تبدیل مجازات سالب آزادی) برداشته و تحولاتی را در دوره‌های مختلف تقنینی به خود دیده است. در قانونگذاریهای اخیر ضمن ادامه سیاست تحدید مجازات سالب آزادی، اختیارات دادگاهها در مراحل دادرسی و اجرا برای تبدیل مجازات سالب آزادی بویژه با ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و همچنین ماده ۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۷۱ به طوری سابقه‌ای گسترش یافته است. بنابراین تدوین یک راهکار مشخص را با رعایت اصول پذیرفته شده حاکم بر مجازاتها و با ملاحظه راهکارها و ابزارهای ارائه شده در قواعد بین‌المللی در این باره برای استفاده بجا و مناسبتر از سیاست تعدیل، تبدیل و تعلیق مجازات سالب آزادی ایجاب می‌کند.

۵- منابع

- [۱]. آنسل، مارک؛ دفاع اجتماعی؛ ترجمه محمد آشوری، علی حسین نجفی؛ انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۵.
- [۲]. اردبیلی، محمدعلی؛ «جایگزین‌های زندان کوتاه مدت در حقوق کیفری ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، س ۱۳۷۱، ش ۱۱ و ۱۲.
- [۳]. پاسخ و سؤالات از کمیسیون استفتائات و مشاوران حقوقی شورای عالی قضایی؛ ج ۲، انتشارات روزنامه رسمی، ۱۳۶۳.
- [۴]. صانعی، پرویز؛ حقوق جزای عمومی؛ ج ۲، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۱.
- [۵]. گوردون، بار کلی؛ «نظام عدالت کیفری در انگلستان و ولز» ترجمه نسرین مهرا، مجله تحقیقات حقوقی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، س ۱۳۷۵، ش ۱۶ و ۱۷.
- [۶]. لازرژ، کریستین؛ سیاست جنایی؛ ترجمه علی حسین نجفی؛ انتشارات پلدا، ۱۳۷۵.
- [۷]. نجفی، علی حسین؛ «سیاست جنایی سازمان ملل متحد»؛ مجله تحقیقات حقوقی، س ۱۳۷۵، ش ۱۸.
- [8]. Bishop N; *Non Custodial Alternatives in Europe*; HEUNINO, 14 Helsinki: 1988.

- [9]. Messner C, Ruggiero V; *Germany, The Penal System between Past and Future (Western European penal System)*; London: 1995.
- [10]. Ruggiero V; *Flexibility and intermittent Emergency in the Italian Penal System (Western European penal System)*; London: 1995.
- [11]. "Standard minimum Rules for the Treatment of Prisoners" United Nations Department of Public Information; New York: 1984.
- [12]. Tsisoura A; *Alternatives to imprisonment: The Work of the council of Europe*; HEUNI No. 15 Helsinki: 1988.
- [13]. "*United Nation Standard Minimum Rules for Non Custodial Measures (the Tokyo Rules)*"; A / RES / 45 / 110 / OF 14 December 1990.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی